



# اتل و متل

نشریه کودکان ایران | مردادماه ۹۸ | قیمت ۳۰۰۰ تومان



داستان دو زبانه فارسی - عربی

هواداران اتل و متل

کاردستی

داستان

شعر

2411200316610003



مرکز قرآنی و پیش دبستانی

# پست الکترونیک (e)

انسانهای بزرگ زاده نمی شوند

... بلکه ساخته می شوند

دبیر اجرایی جشنواره قرآنی کودک و نوجوان در سه دوره متوالی

## افتخارات مجموعه

برگزاری همایش غنچه های حسینی در استان خراسان  
کسب رتبه سوم مسابقات قرآنی در چهاردهمین سال  
کسب رتبه اول مسابقات قرآنی در پانزدهمین سال  
مستند سازی شبکه یک از برنامه های آموزشی  
برگزاری همایش در دانه های رضوی

## طرح اوقات فراغت کودکان

مجموعه جدید و خاص با رویکرد روانشناختی

فوق برنامه و جشن های متنوع

بازیهای متنوع و کار دستی

آموزه و شعرهای دینی



گروه سنی ۳ تا ۷ سال و

ویژه بزرگسالان

در دو شیفت مجزا

کلاسهای روان خوانی، فصیح خوانی، تجوید، تفسیر سوره ها

در سبکهای از تبحر البلاغه ویژه و خاوران یا اعضای کواچماغه معتبر از سازمان تبلیغات و

اناره آموزش و پرورش

با تأییدیه اناره توساری

مجرب به سرویس رفت و برگشت

مرکز قرآنی و پیش دبستانی

آخر میرزا کوچک خان، شهید اسماعیل پور ۳۳، درب سوم

۰۹۱۵۸۲۰۸۰۸۲ - ۰۹۰۱۰۲۹۲۶۰۴



# در این شماره می‌خوانیم

- ۲.....نیایش  
۴.....شعر  
۶.....ماز  
۷.....دقت کنید  
۸.....داستان  
۱۰.....داستان دوزبانه  
۱۱.....هواداران اتل و متل  
۱۲.....مسابقه  
۱۲.....پیدا کنید

مدیر مسوول و صاحب امتیاز.....دکتر علی پاکباز خسروشاهی  
سر دبیر.....لیلا خیامی  
صفحه آرا.....استودیو زیگورات  
ویراستار.....زهرا امیری فر  
طرح جلد.....استودیو زیگورات

اتل و متل ابتدا و نیمه هر ماه منتشر می‌شود.  
همه ی بچه ها و بزرگترها می‌توانند با اتل و متل همکاری کنند و آثارشان را ارسال نمایند.  
حق ویرایش آثار رسیده برای اتل و متل محفوظ است.  
نقل از اتل و متل یا ذکر مآخذ و نام صاحب اثر آزاد است.

نشانی: مشهد، احمدآباد، خیابان قائم ۱۴، پلاک ۴۶، طبقه همکف  
تلفن و نمابر: ۳۸۴۱۶۵۸۴ - ۳۸۴۳۷۷۱۱ - ۵۱

تهران، پاسداران، بوستان ۸، پلاک ۴۶، طبقه ۷  
تلفن و نمابر: ۰۲۱-۲۲۷۶۰۸۹۷ پیامک: ۳۰۰۰۷۹۸۱  
[www.Atalvamat.ir](http://www.Atalvamat.ir) [info@Atalvamat.ir](mailto:info@Atalvamat.ir)

آدرس تلگرام نشریه اتل و متل: @atalvamat

# نیایش

خوش بختی یعنی لبخند  
خوش بختی یعنی شیرینی و نقل  
خوش بختی یعنی یک عالمه چراغ رنگی  
خوش بختی یعنی عید  
دو تا عید بزرگ،  
عید قربان و غدیر  
چیزی به رسیدن این دو تا عید بزرگ باقی نمانده  
برای همین یک عالمه احساس خوش بختی می کنم  
یک عالمه خوش حالم و می خندم  
خدای بزرگم  
از تو برای این همه خوش بختی ممنونم.



سالاد تن ماهی

## آشپزی

مواد لازم

یک لیوان لوبیای پخته  
چند عدد زیتون  
کمی کرفس خرد شده  
یک فنجان گوجه‌ی ریز  
نمک و فلفل و آبلیمو، اگر دوست داشتید  
یک عدد تن ماهی

طرز تهیه

لوبیاهای پخته را با کرفس‌های ریز و گوجه و زیتون مخلوط کنید و نمک و فلفل و آبلیمو رویشان بریزید. تن ماهی را باز کنید و توی ظرفی بریزید و با مواد دیگر اطرافش را تزئین کنید.

# امام اول ما

زهره مهربان

عید غدیر اومده  
دوباره جشنه هر جا  
چون انتخاب شد این روز  
امام اول ما

چه انتخاب خوبی  
چه مرد مهربونی  
چونکه امام علی(ع) بود  
یه مرد آسمونی

با انتخاب اون زود  
غصه و غم ها گم شد  
جشن امامت او  
عید غدیر خم شد

# عید

عباسعلی سپاهی یونسی

یه ریسه و دو ریسه  
تو کوچه جشنه الان  
جونمی جون رسیده  
عید سعید قربان

نذری دارن دوباره  
همسایه ها تو کوچه  
نذرشونو میارن  
با سر صدا تو کوچه

یه کاسه آش رشته  
نقلای رنگی رنگی  
قبول باشه نذرشون  
عید به این قشنگی



# شعر

پرواز  
احمد صفری

تو آسمون می چرخ  
یه عالمه پرنده  
هی می رن این ور اون ور  
با جیک و جیک و خنده

پر می زدن حسابی  
می رن بالا و بالا  
با هم دیگه رد می شن  
از لا به لای ابرا

پرنده های خوشگل  
عاشق آسمونن  
پر می زدن پر و پر  
جیک و جیک و جیک می خونن

# ماز

به شغل قرمزی کمک کنید پیش مادر بزرگش برود.



# دقت کنید

دقت کنید و اختلاف های دو تصویر  
را یکی یکی بگویید.



موهای  
درد سرساز

لیلا خیامی



موهای پسر جادویی بودند. هر وقت دلشان می‌خواست، شروع می‌کردند به نقاشی کشیدن. فرقی نمی‌کرد کجا باشد؛ روی پرده، روی دیوار، روی لباس و روی کف خیابان! موها همین که هوس نقاشی کشیدن می‌کردند، خط‌ها و نقاشی‌هاشان را بیرون می‌ریختند؛ اما هیچ‌کس این را باور نمی‌کرد و همه فکر می‌کردند که پسر خودش همه جا را خط‌خطی و نقاشی می‌کند. معلم مدرسه می‌گفت: «پسر، دفعه‌ی آخری باشد که پای تخته نقاشی می‌کشی. از این به بعد توی دفترت نقاشی بکش.» آقای رفتگر خیابان می‌گفت: «پسر، این همه کف خیابان نقاشی نکش. من مجبور می‌شوم هی پاک کنم و جارو کنم.»



دوست پسر می گفت: «پسر، این قدر روی لباس من نقاشی نکش! مامانم دعوایم می کند.»  
تنها یک نفر بود که حرف های پسر را باور می کرد و او، مادرش بود. مادرش همین که نقاشی ها را روی دیوار و روی پرده می دید، می خندید و می گفت: «باز هم موهایت درد سر درست کردند.» بعد هم مشغول پاک کردن پرده و دیوار می شد.  
ولی درد سرهای پسر تمام شدنی نبود. هر روز یکی می آمد دم در خانه شان و شکایت می کرد که پسر یک جایی را نقاشی کشیده و مامان هم هی از همه معذرت خواهی می کرد.



یک روز مامان گفت: «پسر، باید یک فکری برای موهایت بکنیم.» بعد هم کلی توی اینترنت و کتاب ها و مجله ها تحقیق کرد و بالاخره یک روز پسر را پیش آقای آرایشگر برد. البته نه از آن آرایشگرهای معمولی؛ آرایشگری که یک قیچی جادویی داشت! آرایشگر قیچی جادویی اش را انداخت لای موهای پسر و قچ و قچ و قچ قیچی کرد و با خنده گفت: «نگران نباش، قیچی من جادویی است. وقتی دو تا جادو به هم برخورد کنند، هم دیگر را خنثی می کنند؛ درست مثل دو تا سر هم نیام آهن ربا. جادوی موهای تو و جادوی قیچی من با اولین قچ تمام شد.» بعد هم مشغول مرتب کردن موهای او شد.

پسر با ناراحتی گفت: «اما تقصیر من شد که شما دیگر قیچی جادویی ندارید.» آرایشگر لبخندی زد و گفت: «نه عزیزم، نگران نباش. از دستت خسته شده بودم. یک سره موهای همه را بی اجازه کوتاه می کرد و درد سر درست می کرد.» پسر این را که شنید، لبخندی زد و گفت: «پس دردسرهای دوتایی مان تمام شد.» بعد هم توی آینه خودش را نگاه کرد و گفت: «مدل موهایم معرکه شده!» و با خوش حالی با مادرش به خانه برگشت تا زندگی بدون جادو و بی دردسرش را شروع کند.



## عجب چشم هایی

محمد صادق زنده

مردی بود که معروف به چشم زدن بود و همین که می گفت: وای عجب گلدانی! گلدان می افتاد و می شکست. یک روز مرد حسودی که به برادر خودش حسودی می کرد پیش او رفت و گفت: می شود بیایی و برادر من را چشم بزنی تا از این به بعد او بهتر از من نباشد و این همه پول نداشته باشد. مردی که چشم می زد لبخندی زد و گفت: قبول اما من چشمم خوب نمی بیند با من بیا و همین که برادرت را از دور دیدی به من نشان بده تا من اشتباهی یک نفر دیگر را چشم نزنم. مرد حسود قبول کرد و دوتایی سر راه برادرش رفتند و همین که برادرش از دور پیدایش شد، مرد حسود او را به مرد چشم زن نشان داد و گفت: او برادرم است. همان که دارد می آید. مرد چشم زن از این که مرد حسود توانسته بود از فاصله ی دور برادرش را ببیند تعجب کرد و گفت: وای چشم های تو چه خوب می بینند! اما تا این را گفت، مرد حسود را چشم زد و یک دفعه همه جا جلوی چشم مرد حسود تاریک شد. خب مرد حسود چشم خورده بود دیگر. این جووری شد که او از کار بدش پشیمان شد و به خانه اش برگشت بعد هم رفت پیش دکتر تا چشم هایش را درمان کند چون حالا دیگر نمی توانست خوب ببیند.

كَانَ رَجُلٌ فِي قَرْيَةٍ مَشْهُورًا بِقَدْرَتِهِ عَلَى إِصَابَةِ الْعَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، أَرَادَ رَجُلٌ حَسُودٌ وَفَقِيرٌ الْحَالُ أَنْ يُوذِيَ أَخَاهُ الْغَنِيِّ. فَذَهَبَ إِلَى الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَقَالَ لَهُ: «أُرِيدُ مِنْكَ أَنْ تُصِيبَ أَخِي بِالْعَيْنِ. وَكَانَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ ضَعِيفَ الْبَصَرِ. فَقَالَ لِلرَّجُلِ الْحَسُودِ: عَلَيْكَ أَنْ تَأْخُذَنِي إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَمُرُّ مِنْهُ أَخُوكَ كُلَّ يَوْمٍ؛ ثُمَّ أَشِرْ إِلَيْهِ وَهُوَ يَأْتِي مِنْ بَعِيدٍ. فَوَقِّفَا مَعًا عَلَى الطَّرِيقِ وَعِنْدَمَا جَاءَ الْأَخُ الْغَنِيُّ مِنَ بَعِيدٍ؛ قَالَ الْحَسُودُ: «هَا هُوَ أَخِي قَادِمٌ مِنْ بَعِيدٍ»، تَعَجَّبَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَقَالَ: «يَا، إِنَّ بَصَرَكَ حَادٍ جَدًّا!»، وَفِي الْحَالِ فَقَدَ الْأَخُ الْحَسُودَ بَصَرَهُ.

# هوادارانِ

## اتل و متل



الینا صنفار سجادی  
از مشهد



باران باخرزی  
از مشهد



رادین روحانی  
از مشهد



مهدی بار مقومی  
از مشهد



امیرحسام صنفار سجادی  
از مشهد

بچه ها اگر شما هم از هواداران اتل و متل هستید می توانید عکستان را به ایمیل ما [info@Atalvamatal.ir](mailto:info@Atalvamatal.ir) بفرستید تا در این نشریه چاپ شود.

## مسابقه

برای تصویر های رو به رو یک داستان بنویسید و برای ما بفرستید تا جایزه بگیرید. آدرس ما در صفحه شناسنامه می باشد.




## پیدا کنید

تصویرهای پنهان شده در تصویر اصلی را پیدا کنید.





# کمپین\_کوله\_پشتی

 kuleposhti\_campaign

جمع آوری لوازم تحریر  
برای دانش آموزان  
بازمانده از تحصیل

راه های کمک به کمپین:

می توانید با پرداخت حداقل «20 هزار تومان» و یا اهدای لوازم التحریر  
کودکی باز مانده از تحصیل را به مدرسه بفرستید.

جهت کمک های نقدی:

۶۰۳۷۶۹۱۱۹۹۵۰۴۹۶۰

بانک صادرات به نام گلستان علی (ع)

و کد #۸۸۸\*۷۲۴\*

شماره تماس: ۰۹۱۵۱۵۹۰۲۸۱ - ۰۵۱۳۸۰۹۴



روابط عمومی موسسه اعتباری ملل

